

جایگاه زنان در تصدی مناصب عمومی
با تاکید بر ریاست جمهوری

نویسندگان:

دکتر محمدحسین جعفری

اسماء جعفری



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۷	فصل اول: کلیات
۱۷	تعاریف و مفاهیم
۱۹	پیشینه و بانی
۲۷	فصل دوم: حقوق زنان از دیدگاه اسلام
۳۱	زن از منظر قرآن کریم
۳۳	تساوی انسان‌ها را از نظر اسلام
۳۸	امکان تصدی مناصب و مشارکت سیاسی زنان از منظر اسلام
۴۱	حدود مشارکت سیاسی زنان در آیات قرآن
۴۷	فصل سوم: زنان و امکان تصدی مناصب با تکیه بر آیات احادیث و معصومین
۵۰	سیره معصومین (ع)
۵۴	مخالفان با تصدی مناصب عمومی و ریاست جمهوری زنان
۵۵	آیه تبرج
۶۱	قوامیت
۶۷	مذاق شریعت
۷۰	دلایل موافقان حضور زنان در مناصب عمومی از دیدگاه قرآن
۷۳	فصل چهارم: دکترین امام خمینی (ره) و دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره زنان

۷۹	فصل پنجم: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مناصب زنان
۸۰	اصل مساوات
۸۱	حقوق سیاسی زنان در قانون اساسی
۸۲	اصل بیستم قانون اساسی
۸۳	اصل بیست و یکم قانون اساسی
۸۵	اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی
۸۸	شاخص‌های اتحاد و گسترش حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران
۹۳	مشارکت سیاسی زنان: در امور سیاسی، اجتماعی
۱۰۰	دیدگاه مقام معمم رهبری در خصوص امکان تصدی مشاغل کلیدی از سوی زنان
۱۰۱	فصل ششم: ادله فقهی، نوع تصدی ریاست دولت توسط زنان در اصل ۱۱۵ قانون اساسی
۱۰۴	رجل سیاسی
۱۱۴	مذاکرات مجلس بازنگاری نهایی قانون اساسی
۱۲۰	وکالت سیاسی
۱۲۳	نتیجه‌گیری
۱۲۷	پیوست: قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات (به انضمام: قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام)
۱۷۷	منابع

مقدمه

بر اساس اصل برابری سیاسی و مشارکت زنان یکی از حقوق سیاسی، انسانی و اجتماعی مشترک میان زن و مرد است که در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. از سوی دیگر زنان با توجه به اصول فقهی که در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته در اکثر نقش‌های قدرت آفرین در حوزه مناصب عمومی دیده نشده‌اند و یا، بسیار کم‌رنگ دیده شده‌اند. این دیدگاه شاید حاصل آن است که در جامعه ما زن را به عنوان انسان با (خصائل کامل آن) بلکه به عنوان (زن) موجودی با کارکردهای خاص جنسی می‌نگرد که آن ناشی از نگاهی است که طی اعصار فرهنگ کهن ایرانی شکل گرفته است. هرچند "درباره زنان در ایران قبل از اسلام اطلاعات زیادی در دسترس نیست" (۱) - مندا از مورخان یونانی نوشته‌اند زنان از برخی آزادی‌های حقوقی و اجتماعی و نیز از برت و احترام زیادی برخوردار بودند برای نمونه، پلو تارک می‌نویسد: "زنان ایرانی معمولاً در امور اجتماعی دخالت می‌کردند و در جنگ‌ها و نبردها شرکت داشتند" (ساناساریان، ۱۳۸۴، ۲۸-۲۶).

آنچه مسلم است حقوق زنان در اعصار گذشته در ایران فراز و نشیب‌های فروانی داشته و هیچ‌گاه نگاه مثبتی که حکایت از جایگاه بسیار و یا عهده داری منصبی بوده باشد که استمرار داشته باشد نبوده و اگر در مقاطعی از تاریخ اتفاقاتی در این رابطه رخ داده چنان نبوده که تأثیرگذار باشد هرچند در ایران باستان به ناهمی همچون پرستش در بین مردم داشته‌اند و از یک مقام روحانیت برخوردار بودند و به عنوان یک الهه مورد پرستش بودند (بانو آناهیتا) و یا در آثار باستانی بجا مانده شده نوشتن از زن به عنوان محور زندگی نقش بسته که آثاری در تخت جمشید وجود دارد و یا وجود مجسمه‌هایی از آنان (مجسمه ملکه ایلام) بحث در این خصوص بسیار است که امکان پرداختن به این موضوع در این اندک میسر نیست. لذا به همین اندازه اشاره گذرا می‌شود که "در ایران پیش از اسلام دین اصلی ایرانیان، دین زرتشت بود. کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) به وجود شش الهه اشاره دارد که نیمی از آنان زن هستند" (ساناساریان، ۱۳۸۴، ۲۸). می‌توان گفت علیرغم این موضوعات ما شاهد آن بوده‌ایم که نقش تعیین کننده‌ای در خصوص زن ایرانی شکل نگرفته است.

با نگاهی به تاریخ معاصر ما شاهد مشارکت‌هایی از زنان از سال‌های ۱۲۸۴ در انقلاب مشروطیت و نهضت ملی بودیم این در حالی بوده که فقط چند درصد از زنان ایرانی باسواد بودند و در اوایل دهه ۱۲۸۰ حدود ۲۰۰ انجمن‌های علنی و مخفی خود زمینه مؤثری در ورود زنان به عرصه‌های سیاسی را موجب گردید هرچند برخی تفکرات افراطی و عدم آمادگی جامعه برای حضور زنان در عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی مشکلات زیادی را برای زنان در بر داشت در عین حال "ابرا" شواهد، روشن است که زنان در انقلاب مشروطیت فعالانه شرکت داشتند. بعدها به ویژه پس از سال ۱۳۸۵ آنان توانستند از زمان‌های خاص خود را شکل دهند و مستقل عمل کنند؛ اما آنان بخش از یک جنبش بزرگ ملی بودند که در سطح کشور فعالیت می‌کرد. در حقیقت، جنبش ملی زنان یک "خانه جنبش" بود که با جنبش عمومی همکاری می‌کرد و هدفش استقلال ایران و احراز قدرت اساسی بود" (همان، ۴۱) از طرفی چاپ نشریاتی از سوی زنان از سال ۱۳۸۹ "نشریه زنان، شکوفه، زبان زنان و غیره" باعث شده تا فرهنگ ایرانی که هرگز یک فضای مناسب برای این به عنوان واقعیتی غیرقابل انکار و اجتماعی از توانایی‌های بالقوه و بالفعل او نسبت او را مورد پذیرش قرار دهد و نتیجه آن شده است تا در پروسه تحولات حقوق و فعالیت‌های جامعه در سده‌های اخیر کشورمان که با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه شود هرچند این فعالیت‌ها هم نتوانست جایگاه حقوقی زن را تثبیت نماید و حقوق زن همواره در سطح پایین نگه داشته است. این ناکامی‌های جامعه زنان می‌تواند بنا به دلیل زیاد از جمله عدم استنباط مناسب از احکام و به‌کارگیری روح قوانین در مورد زنان و سلیقه‌های متغیر حاکمان در هر دوره از تاریخ دانست. با تحقق انقلاب اسلامی می‌توان اذعان داشت تحولات بسیاری در نگاه به زنان صورت گرفته است و آن نگاه سخیفی که نسبت به این قشر از جامعه وجود داشت در حال باز یافتن جایگاه خود است. هرچند که هم اکنون نیز شاهد تفسیرهایی در جامعه هستیم که با نگرش خاص در خصوص موضوعات مربوط به حقوق زنان خود نمایی می‌کند و بحث انتصاب و یا تصدی برخی از پست‌ها و مقامات سیاسی و عمومی در سطح کلان کشوری را بر اساس قوانین مشروط به شرایطی دانسته و عمدتاً آنان را متأثر از موازین و احکام و قوانین فقهی و اسلامی تفسیر می‌کند که همچنان عرصه انتصابات را برای زنان سخت و دشوار می‌نماید. برای روشن شدن این موضوع و حقوق زنان در تصدی مناصب باید در

چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و موازین اسلامی در چارچوب اجتهاد فقهای جامع‌الشرایط و با استناد به منابع فقهی پرداخته شود.

لذا در این نوشتار تلاش بر این است که تصدی مناصب عمومی زنان بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و احکام فقهی مورد بررسی قرار گرفته و به برخی از تعارضات آشکاری میان امکان احراز تصدی این مناصب وجود دارد که منشأ برخی از محرومیت‌ها، زنان شده است را با مبنای احکام اسلامی ارائه شود تا زنان بتوانند از فرصت‌های تصدی مناصب در حوزه دستیابی آنان بهره‌مند گردند.

آنچه مسلم است تصدی مناصب عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران چه در مرحله وضع قانون و چه جای قوانین موجود به وجود باید به موجب ضوابط و فاکتورهایی در قوانین داخلی، فقهی به خصوص احکام فقهی پویایی که در این زمینه وجود دارد توسط محققان، نخبگان و اندیشمندان و پژوهشگران مسلمان بیشتر پرداخته شود و تلاش گردد با خصوصیات لازم در چارچوب احکام فقهی به سرچشمه‌های برابری که ذات و جوه‌دین اسلام است زنان نخبه نیز در عرصه‌های تصدی مناصب عمومی فرصت‌های لازم را به دست آورند.

با توجه به فعالیت‌های زنان از ربع قرن اول بیست و یکم در ایران به منظور حضور آنان در عرصه‌های مختلف جامعه "در دوره‌ی حکومت پهلوی یک از جنبه‌های تبلیغاتی رژیم این بود که با برخی اقدامات و اصلاحات به عمل آمده، زنان امکان حضور در جامعه را به دست آورده‌اند و در نتیجه با حضور در اجتماع توانسته‌اند در عرصه عمومی جامعه مشارکت نمایند و زمینه اشتغال آنان فراهم گردیده است" (طغریان، ۱۳۸۱، ۱۰۸). آنچه از این امر هویدا است، پس "از انقراض سلسله قاجار و استقرار حکومت پهلوی سعی شد به گونه نمادین از حضور زنان در برخی از فعالیت‌های اقتصادی و عمدتاً برخی از مشاغل خاص دیوان سالاری استفاده گردد تا به صورت یکی از شاخص‌های اصلی حرکت جامعه به سوی نوگرایی و تجدد از آن بهره برداری شود" (همان، ۱۰۹). پس از انقلاب اسلامی شاهد مشارکت و حضور سیاسی و اجتماعی زنان در سطوح مختلف اجرایی و مدیریتی کشور هستیم ولیکن باید اذعان نمود که شرایط جامعه ما به گونه‌ای است که وضعیت زنان و مردان به صورت متعادل نبوده و همواره شیب مسئولیت‌ها و مناصب به سمت و سوی مردان بوده و زنان از یک عقب ماندگی که بیشتر جنبه تاریخی

دارد برخوردار هستند. مسئله حضور یا عدم حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و احراز مشاغل و مناصب عمومی از مسائل مناقشه برانگیزی است که از دیرباز موضوع بحث، مجادله و مناظره‌هایی بوده که از زمان‌های گذشته قرار گرفته است و احراز مناصب عمومی، بیش از هر مسئله دیگر در حکومت و دولت‌ها به لحاظ اقتدار و قدرت که در يد مردان بوده است هیچ‌گاه زمینه و شرایط مناسبی برای زنان به وجود نیامده است.

"همان گونه که شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، به خوبی تنقیح نمودند، در برخورد با مباحث زنان و تفاوت‌های آنان با مردان، دو دیدگاه اساسی وجود دارد. دیدگاه اول، خصوصاً در دنیای غرب، تلاش می‌کنند میان زن و مرد از لحاظ قوانین، مقررات، حقوق و وظایف وضع واحد و مشابهی به وجود آورند و تفاوت‌های طبیعی و غریزی زن و مرد را نادیده بگیرند. از این تفکر، به دیدگاه "تشابه محوری" تعبیر شده است. برخی دیگر خصوصاً با عنایت به آموزه‌های اسلام، معتقدند که زن و مرد در جهات متعددی با یکدیگر تفاوت دارند و خلقت و طبیعت، آن‌ها را یکنواخت نخواست است و لذا از لحاظ بسیاری از حقوق، کالیب و مجازات، وضع مشابهی ندارند. این دیدگاه به "تفاوت محوری" نامیده می‌شود." (ملک زاده، ۱۳۹۵، ۱۶). در قوانین ایران این تفاوت محوری در برخی از انتصاب و یا تصدی پست‌ها و مقامات سیاسی و عمومی در سطح کلان کشوری برای زنان وجود دارد که اغلب از شرایط امکان مرتفع شدن را دارند زیرا بیشتر متأثر از تفاسیری است که موازین فقهی صورت گرفته و همین امر موجب شده است انتصاب به مشاغل عمومی زنان نادیده گرفته شود به طوری که مرتفع شدن این موانع ضرورت دارد تا زنان نخبه و اندیشمندان و محققین و پژوهشگران اسلامی با ورود به این موضوعات راه حل مناسبی را با توجه به آیات قرآن کریم، احادیث و فقه، سنت و سیره ائمه اطهار و پتانسیل‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دست آورند. چنانچه مقام معظم رهبری در بیاناتی در این خصوص می‌فرمایند:

"ما معتقد هستیم که نظام جمهوری اسلامی برای این که بتواند در جامعه اسلامی و قرآنی ما، زن را در جایگاه حقیقی خود قرار بدهد، باید هنوز تلاش، تبلیغ و فعالیت بسیاری انجام بدهد و انجام بگیرد." (دفتر مقام معظم رهبری مدیریت ویژه نشر آثار، ۱۳۸۰، ۱۰۰).

هدف از این نوشتار پرداختن به امکان احراز مناصب عمومی با تأکید بر ریاست جمهوری توسط زنان است. در حقیقت بیان برابری زنان و مردان در حفظ، اداره و پیشرفت جامعه اسلامی و مجموعه‌ی نظام اجتماعی است. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرماید:

"اسلام وقتی می‌گوید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱، یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریک‌اند؛ زن را استثنا نکرده. ما هم نمی‌توانیم زن را استثنا کنیم. مسئولیت اداره جامعه اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه بست است. بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدام به نحوی بر حسب توانایی‌های خودشان". (کربلایی، ۱۳۹۰، ۶۲) ایشان در خصوص لزوم احقاق حقوق زن در جامعه اسلامی در جای دیگری می‌فرماید:

"بله حرکت در جهت احقاق حق زنان در جامعه‌ی اسلامی و در جامعه ما حتماً باید انجام بگیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی. یک عده نگویند که این چه نهضتی است، این چه حرکتی است؛ مگر زن در جامعه ما چه کم دارد؟ متأسفانه ممکن است بعضی این‌گونه فکر کنند.

این، ظاهر بینی است. زن در همه جوامع - از جمله در جامعه‌ی ما - دچار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می‌شود؛ اما این کمبود که بود آزادی به معنای بی بند و باری نیست؛ این کمبود، کمبود میدان‌ها و فرصت‌ها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست؛ این را باید تأمین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام روی آن تأکید کرده است." (دفتر مقام معظم رهبری، مدیریت ویژه نشر آثار، ۱۳۸۰، ۸۸-۸۷). آنچه بر همگان مبرهن است، بیش از هر مسئله دیگر این احراز مناصب به لحاظ اقتدار و قدرت کریم از زنان در سوره‌های متعدد به خوبی یاد کرده و دو سوره نیز رسماً به نام زنان اسم گذاری شده در ید مردان بوده است. انتصاب و یا تصدی به پست‌ها و مقامات سیاسی و عمومی در سطح کلان کشوری

در برخی موارد در قوانین برای زنان مشروط به شرایطی گردیده که اغلب آن‌ها در برخی موارد به نوع تفسیر از موازین فقهی مربوط است. اگر چه ما پس از انقلاب اسلامی شاهد حضور سیاسی و اجتماعی زنان در سطوح مختلف اجرایی و مدیریتی کشور هستیم ولیکن شرایط جامعه ما به گونه‌ای است که وضعیت زنان و مردان در انتصابات به مشاغل عمومی به صورت متعادل نبوده و همواره زنان در تصدی مشاغل در سطح پایین‌تری برخوردار بوده‌اند.

به همین منظور تلاش شده است تا به این موضوع در چارچوب آیات قرآن کریم، قانون اساسی و فقه اسلامی پرداخته شده و افق‌های روشن را تصدی زنان در مناصب عمومی برجسته‌تر نماید.

تصدی مناصب سیاسی زنان در جوامع امروزی جزء حقوق اساسی و از باورها، ارزش‌ها و آرمان‌های آنها تأثیر می‌پذیرد و بنیادی‌ترین حقوق فردی و اجتماعی افراد شامل می‌شود. این حالت برای هر یک از اعضای جامعه به رسمیت شناخته شده است؛ و در جمهوری اسلامی ایران نیز به وضع امکان مدیریت و تصدی مناصب سیاسی توسط زنان از مباحث مهمی است که باید بر اساس موازین اسلامی و دینی به دنبال پاسخی برای این مسئله بود. "بدیهی است اگر نیمی از ایفای نقش اجتماعی محروم شود، از رشد اجتماعی او کاسته می‌شود و جامعه‌ای که زنان آن از رشد فکری و اجتماعی محروم باشند مسلماً جامعه رشد یافته‌ای نخواهد بود" (ملاک‌زاده، ۱۳۹۵، ۹). امروزه شاهد حضور سیاسی و اجتماعی زنان در سطوح مختلف اجرایی و مدیریتی کشور هستیم ولی وضعیت زنان و مردان به صورت متعادل نبوده و زنان در یک عقب ماندگی تاریخی برخوردارند. احراز مناصب عمومی و حضور مردان در قله هرم قدرت سیاسی و اجتماعی و برتری آن‌ها در حوزه‌هایی چون سیاست، مناصب مستلزم تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های اساسی جامعه موجب شده تا زنان طی قرون متمادی در سیطره نظام مردسالار قرار گرفته اصل برابری سیاسی و مشارکت زنان یکی از حقوق سیاسی، انسانی و اجتماعی مشترک میان زن و مرد است که در اسلام آمده و در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. با توجه به این اصل می‌توان گفت کلیه مناصب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به استثنای رهبری که با دلیل خاص، خارج می‌شود، قابل تصدی توسط زنان است. در نهایت این برداشت از اصل ۱۱۵ قانون

اساسی می‌شود که کلمه «رجال» منحصر به مردان نبوده و برای زنان نیز امکان قانونی ریاست جمهوری وجود دارد.

www.ketab.ir